



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ آبان ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۵ محرم ۱۴۳۵

جلسه: ۲۸

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس

موضوع جزئی: الاول: غنائم دار الحرب

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### القول فیما يجب فيه الخمس:

بعد از بحث پیرامون مقدماتی که به نظر می‌رسید ذکر آنها در ابتدای کتاب الخمس لازم است و از آن مقدمات فقط به بعضی در متن تحریر اشاره شده بود، نوبت به بحث از القول فیما يجب فيه الخمس می‌رسد.

اینکه خمس در چه اموری واجب است و به چه چیزهایی تعلق پیدا می‌کند به عبارت دیگر منابع خمس و آنچه که خمس از آن تحصیل می‌شود و پس از آن نوبت به بحث از مصارف خمس خواهد رسید.

مشهور در بین امامیه این است که خمس در هفت چیز واجب است «يجب الخمس فی سبعة اشياء الاول ما یغتنم قهراً».

### الاول: غنائم دار الحرب

یعنی آنچه که به غنیمت گرفته می‌شود به قهر و غلبه و قتال یعنی غنیمت جنگی؛ در مورد غنیمت جنگی مسائل و فروع و جهات مختلف بحث وجود دارد که ما در ابتدا به این جهات اشاره می‌کنیم که امام(ره) تقریباً به اکثر این مسائل اشاره می‌کنند:

### جهات مختلف بحث در خمس غنیمت جنگی:

- جهت اول اینکه غنائم دار الحرب به چه غنائمی می‌گویند و تعریف آن چیست؟
- جهت دوم در وجوب خمس در غنائم جنگی است که امام البته به ادله آن اشاره نکردند از این باب که وجوب آن واضح و روشن است و ما اجمالاً به این ادله اشاره می‌کنیم.
- جهت سوم اینکه آیا غنائم جنگی که خمس در آنها واجب است این فقط در جهاد ابتدائی است یا در جهاد دفاعی هم این حکم وجود دارد؟ یعنی اگر در جهاد دفاعی غنیمت جنگی اخذ شود خمس واجب است یا نه؟
- جهت چهارم اینکه آیا در تعلق خمس به غنائم جنگی اذن امام لازم است یا نه؟
- جهت پنجم اینکه آیا وجوب خمس فقط در غنائمی است که نظامیان همراه دارند مانند زره و سلاح و کفش یا اعم از این است یعنی ولو همراه نظامیان و عسکر نیست مثلاً یک وسیله‌ای است که بیرون از معرکه است مانند گله گوسفند.
- جهت ششم اینکه آیا این فقط به اموال منقول متعلق می‌شود یا اعم از منقول و غیر منقول است مثل زمینی که از اهل حرب گرفته شده. البته ممکن است این جهت با جهت سابق متداخل باشند چنانچه در کلام امام این جهات تفکیک نشده است.

• جهت هفتم اینکه آیا اموالی که در قتال از اهل حرب اخذ می‌شود متعلق خمس است یا اگر از اهل حرب از راه سرقت و فریب دادن و حيله مالی بدست بیاید هم متعلق خمس است؟ این سرقت ممکن است در جنگ باشد یعنی ممکن است در حرب و شئون حرب، مالی از آنها سرقت شود یا نه در حال حرب نباشند اما ما حيله، مالی را اخذ کند آیا این متعلق خمس هست یا نه؟

• جهت هشتم اینکه آیا قلت و کثرت در این جهت اثری دارد یا نه؟ یعنی آیا فرقی بین مال قليل و کثیر در تعلق خمس هست یا نیست؟ آیا نصابی برای این وجود دارد یا نه؟

• جهت نهم اینکه آیا استثنائی نسبت به این اموال هست یا نه؟

• جهت دهم اینکه آیا ناصبی به اهل حرب در این مسئله ملحق می‌شود یا نه؟ یعنی اگر مثلاً کسی از یک ناصبی مالی را بدست آورد باید خمس بپردازد یا نه؟

این یک اجمالی از مباحث مربوط به غنائم جنگی است؛ پس اولین مورد از مواردی که خمس در آن واجب است غنیمت جنگی است و این بحث‌ها هم باید در مورد آن مطرح شود.

### متن تحریر:

«القول فیما یجب فیہ الخمس»

یجب الخمس فی سبعة أشياء:

• «الاول ما یُغنم قهراً بل سرقةً و غيلةً إذا كانتا فی الحرب و من شؤونه» اولین مورد آن چیزی است که با غلبه و قهر بدست می‌آید و یا به وسیله سرقه یا حيله و نیرنگ بدست آمده البته با این شرط که در جنگ و آنچه از شئون جنگ است بدست بیاید که این یک قسمت از آن است و قسمت دیگر یعنی سرقة و غيلة در غیر شئون جنگ را در ادامه بیان می‌فرماید.

• «من أهل الحرب الذین یستحل دماؤهم و أموالهم و سبىُ نسائهم و أطفالهم» از اهل حرب و آنها کسانی هستند که مالشان و خونشان حلال است و اسارت گرفتن زنان و کودکان آنها جایز و حلال است یعنی کافر ذمی نیستند و شرایط ذمه را نپذیرفتند منتهی گاهی با اهل حرب جنگی صورت می‌گیرد و گاهی جنگی صورت نمی‌گیرد اگر با اهل حرب جنگی صورت می‌گیرد غنائمی که از اهل حرب بدست می‌آید متعلق خمس است چه در معرکه بدست بیاید مستقیماً و چه در یک امری که مربوط به شئون جنگ و حرب است ولو از راه سرقت و حيله بدست بیاید.

• «إذا كان الغزو معهم بإذن الامام علیه السلام» در چه صورت غنیمت جنگی از اهل حرب متعلق خمس است؟ (توجه شود که فقط از این منظر نگاه می‌کنیم که اگر کسی این مال را گرفت خمس آن واجب است یا نه؟) نفس این غنیمت جنگی اگر در جنگی باشد که به اذن امام باشد خمس واجب است؟

• «من غیر فرق بین ما حواه العسکر و ما لم یحوه» بدون اینکه فرقی باشد بین آنچه که عسکر و لشکر و نظامیان حاوی و در برگیرنده آن هستند و آنچه که همراه نظامیان و لشکر نیست. «کالارض و نحوها» مثل زمین و مانند آن (عرض کردم که اینجا دو جهت است که امام اینها را با هم یکی کردند و آن دو جهت چنانچه گفتیم یکی این است که آیا بین ما حواه

العسکر و غیر ما حواه العسکر فرقی هست یا نه؟ و جهت دیگر اینکه آیا بین مال منقول و غیر منقول فرقی هست یا نه؟ که این دو جهت اینجا یکی شده است. «علی الاصح» اصح این است که فرقی بین ما حواه العسکر و غیر ما حواه العسکر نیست.

• «و أما ما اغتنم بالغزو من غیر اذنه» اما آنچه که از راه جنگی بدست می‌آید که آن جنگ به اذن امام نبوده که این دو صورت دارد:

• «فإن كان في حال الحضور و التمكن من الاستئذان منه فهو من الانفال» یک صورت اینکه اگر در زمان حضور امام بوده و امکان اجازه گرفتن از امام بوده ولی اذن و اجازه نگرفتند مانند کاری که زید بن علی بن الحسین (ع) کرد یا در زمان امام صادق (ع) بعضی از این حرکت‌ها داشتند؛ در این صورت اموالی که بدست می‌آید از انفال است یعنی کلها للامام (ع) و حق ندارند که فقط خمس آن را بدهند بلکه باید همه آن اموال را به امام بپردازند.

• «و أما ما كان في حال الغيبة و عدم التمكن من الاستئذان» اما اگر در حال غیبت امام (ع) جنگ صورت گرفته و امکان استیذان هم نبوده.

• «فالاقوی و جوب الخمس فيه» اینجا خمس در آن واجب است.

• «سیما إذا كان للدعاء إلى الاسلام» مخصوصاً اگر برای دعوت به اسلام باشد نه برای اغراض دیگر.

• «و كذا ما اغتنم منهم عند الدفاع إذا هجموا على المسلمين في أماكنهم» و همچنین اگر در یک جهاد دفاعی دشمن حمله کرده به مسلمین در اماکن مسلمین مثل اینکه کفار به یک مملکت اسلامی حمله کند و هجوم آورد غنائمی که بدست می‌آید خمس آن واجب و متعلق خمس قرار می‌گیرند.

کذا یعنی الاقوی و جوب الخمس فيه در غنائم جهاد دفاعی هم خمس واجب است.

• «و لو في زمن الغيبة» چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت.

• «و ما اغتنم منهم بالسرقة و الغيلة غیر ما مر» آنچه غنیمت گرفته می‌شود از کفار حربی به سرقت و حیلت غیر از آنچه که در جهاد ابتدائی گفته شد. چنانچه گفتیم سرقت و حیلت دو صورت دارد که گاهی در حرب این کار صورت می‌گیرد و اخری در غیر حرب مثلاً یک مسلمانی به مملکتی سفر کرده که کفار اهل حرب آنجا زندگی می‌کنند و جنگی هم وجود ندارد مالی را سرقت کند و یا نیرنگ و حيله‌ای به کار ببندد. «و كذا بالربا» و همچنین اگر کسی از کفار حربی ربا بگیرد «و الدعوی الباطلة و نحوها» و ادعای باطلی در دادگاه کفار حربی کند و مالی را بدست بیاورد و امثال آن در این موارد یعنی در مورد سرقت و غیلت و ربا و دعوی باطل و امثال آن.

• «فالاحوط إخراج الخمس منها» احتیاط این است که خمس بدهد البته «من حیث کونه غنیمة لا فائدة» از حیث اینکه این غنیمت است نه فائده «فلا یحتاج إلى مراعاة مؤونة السنة» فرق می‌کند اینکه چیزی را غنیمت بدانیم یا فائده بدانیم که اینجا غنیمت به عنوان مطلق فائده نیست مراد از آن غنائم دار الحرب است؛ اگر این را فائده دانستیم احتیاج به مراعات مؤونة سنة دارد ولی اگر گفتیم غنیمت است مراعات مؤونة سنة ندارد «و لكن الاقوی خلافه» احتیاط اخراج

خمس آن است ولکن اقوی خلاف آن است یعنی فتوی می دهند که خمس واجب نیست و احتیاط مستحب این است که خمس آن داده شود.

جهت دیگری که امام اشاره می کنند این است.

- «و لا يعتبر فی وجوب الخمس فی الغنیمة بلوغها عشرین دینارا علی الاصح» و در وجوب خمس در غنائم فرقی بین این مقدار و عدم آن نیست بر خلاف بعضی که بلوغ به بیست دینار را شرط می دانند.
- «نعم يعتبر فيه أن لا يكون غصباً من مسلمٍ أو ذمیٍّ أو معاهدٍ و نحوهم من محترمی المال» در تعلق وجوب خمس به آن مال یک شرطی وجود دارد و آن اینکه آن مال خوش مغضوب نباشد یعنی لعل یک اسبی است که آن کافر حربی سابقاً از یک مسلمانی سرقت کرده و الآن بدست مسلمانان افتاده که در این صورت این احکام در آن جاری نمی شود.
- «بخلاف ما كان فی أیدیهم من أهل الحرب و إن لم یکن الحرب معهم فی تلك الغزوة» به خلاف آنجایی که در دست خود اهل حرب هست که در این صورت که دست خود اهل حرب بوده خمس واجب و معتبر است.
- «و الاقوی إلحاق الناصب بأهل الحرب فی إباحة ما اغتنم منهم و تعلق الخمس به» اقوی این است که ناصبی هم ملحق به اهل حرب است در اینکه آنچه که از او به غنیمت گرفته شده مباح است و خمس هم به آن متعلق می شود.
- «بل الظاهر جواز أخذ ماله این وجد و بأی نحو کان» ظاهر این است که مال کافر حربی را هر گونه که بشود می توان گرفت و البته «و وجوب إخراج خمسه.» خمس آن را باید پرداخت.

تقریباً از آن جهاتی که بیان کردیم عمده آنها را مرحوم امام (ره) فرموده اند فقط یک جهت در کلام امام نیست و آن مستثنیات است یعنی مواردی که اصلاً از مجموعه غنائم دار الحرب خارج است یا به تعبیر دیگر مواردی که اینها اصلاً مال امام (ع) است و نمی توانند آن را بگیرند و خمس را فقط بپردازند که چنانچه بعداً هم خواهد آمد به آن صفة گفته می شود. پس ملاحظه کردید که اولین مورد از موارد وجوب خمس غنائم دار الحرب است.

### **وجه حصر خمس در هفت چیز:**

در اینکه چرا موارد وجوب خمس هفت عدد ذکر شده، جهت آن این است این حصر یک حصر عقلی نیست بلکه یک حصر استقرائی است یعنی بعد از بررسی ادله این موارد هفتگانه بدست آمده و اگر مورد دیگری در ادله یافت شود اشکالی در ذکر آن نیست و به یک معنی امهات فوائد همین هفت موردی است که ذکر شده و البته برخی مواردی که فائده هم هستند ولی ادله آنها را متعلق وجوب خمس نداستند یا از این باب است که غنیمت و منفعت به آنها صدق نمی کند یا از این باب که حکماً خمس به آنها واجب نیست.

**بحث جلسه آینده:** بحث در بررسی جهاتی است که در غنائم جنگی مطرح شده است.

«والحمد لله رب العالمین»